

این زن پنج سال در زندان می ماند

جزئیات سرقت‌های طلایی مادر و دختر ۱۵ ساله



گروه حوادث: زن جوان که دخترش به طلافروشی هارفته و دست به سرقت میزد به پنج سال زندان محکوم شد. دختر این زن تبهکار چون ۱۵ ساله بود تحت بررسی پزشکی قانونی قرار گرفت و بخاطر عدم بلوغ فکری از مجازات زندان معاف شد.

سرقت‌های زنانه
سال ۹۴ بود که پلیس در جریان سرقتی قرار گرفت که در همه آنها یک زن با دختر کم سن و سالی به بهانه خرید طلا داخل طلافروشی‌های سطح شهر می‌رفت و با سیاه بازی دست به کش رویی زده و طلا به سرقت می‌برد.

یکی از این طلافروش‌ها وقتی با دستور باز پرس پرونده پیش روی ماموران پلیس آگاهی قرار گرفت، گفت: یک مادر و دختر بودند چون

۹ ماه بعد
در حالیکه هیچ سرقت مشابهی دیگر صورت نمیگرفت هنوز پرونده روی میز کاراگاهان بود و طلافروشها هم در جریان قرار داشتند تا با دیدن مورد مشابه و مر موزی فریب نخورند. ۹ ماه بعد از آخرین سرقت پلیس گزارشی دریافت کرد که نشان میداد مادر و دختری هنگام سرقت از یک طلافروشی دستگیر شده‌اند. سمیه ۴۰ ساله و نغمه ۱۵ ساله در اختیار کاراگاهان قرار گرفتند و مرد طلافروش نیز تحت تحقیق گرفته شد.

این مرد گفت: وقتی این زن و دخترش داخل مغازه شدند یاد دوستم افتادم که فیلم طلافروش‌های را به من نشان داده بود آنها خیلی شبیه دزدان بودند اما نمیتوانستم قضاوت اشتباهی کنم حواسم را جمع کردم تا فریب نخورم و در لحظه سرقت می‌شان را گرفتم مادر سعی داشت بگوید دخترش بچگی کرده است اما من کوتاه نیامدم و پلیس را خبر کردم مادر و دختر کلی گریه می‌کردند و می‌خواستند رهاشان کنم.

اعتراف
سمیه که باور نداشت دستگیر شده باشد در بازجویی‌ها گفت: شوهرم بخاطر دزدی در زندان است من به جز نغمه دو دختر و پسر دیگر هم دارم باید خرجشان را میدادم.

بدون سرنج
از آنجایی که هیچ سرنخی برای شناسایی این مادر و دختر نبود و آنها سابقه‌ای نیز نداشتند ماموران در شاخه دیگری برای ردیابی مسیر فروش طلاهای سرقتی رفتند و دریافتند نه تنها در این شهر بلکه در شهرهای نزدیک آن نیز طلایی فروخته نشده است.

همین کافی بود تا همه مسیرهای پلیسی به بن بست بخورد و هیچ ردیابی از این مادر و دختر وجود نداشته باشد.

آنقدر ظاهرم فریب‌دهنده بود که کسی فاکتور نمیخواست. این زن گفت: مدتی که سرقت نکردم بخاطر این بود که نغمه همراهی ام نمی‌کرد او می‌خواست سر کار برود و رفت اما دید بدتر است باز برگشت و همراهی ام کردم من و دخترم از دزدی متفریم الان اگر زندان بیقیمت بچه‌هایم تنها می‌ماند و نگران‌شان هستم شوهرم اگر به جای دزد شدن زندگی خوبی داشت الان خانواده‌اش به این روز نمی‌افتادند.

نغمه هم گفت: همیشه مخالف بودم حتی چند باری مادرم کتک زد تا با او به دزدی بروم همیشه عذاب وجدان داشتم دوست دارم درس بخوانم و برای خودم کسی بشوم اما با این پدر و مادرم می‌دانم عاقبت خوبی ندارم.

وی ادامه داد: من فقط همراه مادرم بودم حتی نمیدانم طلاها را چطور میفروخت اصلا در صحنه سرقت چه شگردی داشت بارها گفت بیا یادت بدهم من نپذیرفتم فقط قرار بود مادرم را از خرید طلا از آن جواهر فروشیها منصرف کنم و با هم خارج شویم و هر بار به بهانه‌های این کار رami کردم.

پزشکی قانونی
باز پرس پرونده بعد از اینکه سمیه را روانه زندان کردند نغمه را در اختیار کارشناسان پزشکی قانونی قرار داد و با اظهار نظر آنها مبنی بر اینکه نغمه ۱۵ ساله به رشد فکری نرسیده است اورا تبرئه کرد.

گفت و گو با سمیه
زن جوان نگران خانواده اش است اما میداند مقصر خودشان هستند. **چهره پشیمانی داری؟** بله اما چاره‌ای نداشتیم. **این همه مردم فقیر همه دزدی می‌کنند؟** شغل نداشتم. **خیلی‌ها برای زندگی آبرومندانانه خانه مردم کار**

می‌کنند؟
شهرمان کوچک است آبرویم بیشتر می‌رفت.

شوهر تم دزد بود؟
دزد و معتاد.

چرا جلودارش نبودی؟
باید با او ازدواج نمی‌کردم پسرعموم هم هست و دل‌باخته هم بودیم میدانستم خلاقکار است ابتدا برایم هیجان هم داشت اما بعد برایم بدبختی شد.

نمی‌توانستی زندگی‌اش را سر و سامان بدهی؟
نشدا و الوده بود کاری نداشتم سرمایه‌ای نداشتم.

حالا که بدتر شد؟
بله الان نمی‌دانم بچه‌ها بدون من و پدرشان چه می‌کنند.

شوهرت چقدر زندان دارد؟
سه سال دیگر باید زندان بماند او دزد مسلح بود حالا عفو هم خورده بود و گرنه حالا حالاها باید در زندان میمانند.

دخترت شانس آورد؟
خدا او را دوست دارد قلبش پاک است هر روز مثل فرشته‌ها می‌خواست دزدی نکنیم چندباری مجبور شدم کتکش بزنم.

و حالا نهایتش گذاشتی؟
عمومی بچه‌هایم قبول داده مراقبتشان باشد شنیدم دخترم در یک شرکت کار میکند حتما مقاومت میکنند و امیدوارم آزاد شوم و جبران کنم.

حرف آخر؟
گریه سمیه و سکوت **۵ سال زندان**
پرونده سمیه بعد از صدور کیفرخواست در اختیار دادگاه عمومی قرار گرفت و این زن به ۵ سال زندان ۷۴ ضربه شلاق و رد مال محکوم شد.
با اعتراض سمیه به این حکم پرونده در دادگاه تجدید نظر بررسی شد و مورد تایید قرار گرفت.

خبر

پلیس تهران از ۳ پرونده تبهکاری پرده برداشت

دسیسه پسر پرستار خانگی برای طلاهای پیرزن

پایگاه پنج پلیس آگاهی تهران قرار گرفت چاره‌ای جز اقرار ندید.

حمید با لو دادن دو همدستش به کاراگاهان گفت: توسط مادرم از شرایط زندگی این پیرزن اطلاع داشتم و می‌دانستم که این پیرزن به تنهایی زندگی می‌کند.

وی افزود: نقشه سرقت از خانه پیرزن را با همدستی دو دوستم طرح‌ریزی کردم و در شب حادثه من در بیرون خانه کشیک می‌دادم و دو همدست و ی پس از ورود به خانه پیرزن، حدود ۲۰ میلیون تومان اشیای قیمتی و طلا سرقت و در همان شب همه را بین خودمان تقسیم کردیم.

با این اعترافات کاراگاهان وارد عمل شدند و دو مرد خشن را خیلی زود به دام انداختند. این دو دزد هم در بازجویی‌ها ادعاهای حمید را قبول کردند و سرقت خشن از خانه پیرزن را به گردن گرفتند.

یکی از دزدان که مسعود نام دارد در بازجویی‌ها گفت: قرار نبود پیرزن را خیلی بترسانیم اما استرس داشتیم میخواستیم خیلی زود به طلاها برسیم و پیرزن باید زود حرف میزد مجبور شدیم این کارها را بکنیم و پشیمان هستیم.

بنابه این گزارش، هر سه دزد روانه زندان شدند و تجسسها در این زمینه ادامه دارد.

دسیسه خادم افتخاری امامزاده
رازپسر جوانی که برای سرقت یک دستگاه بیسیم از حرم امامزاده، خادم افتخاری آن محل شده بود، فاش شد. روز یکشنبه ماموران عملیات کلانتری ۱۱۴ غیاتی تهران در جریان تحقیقات محلی

طلاهایم را بگویم، سپس مرا در اتاقی زندانی کردند و بعد از سرقت دارو ندارم فرار کردند. با این ادعاها باز پرس پرونده دستور داد تا تیمی از پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران وارد عمل شوند.

تجسس هانشان داد که این پیرزن دارای پرستاری است که هر روز چند ساعتی به خانه او رفته و کارهایش را انجام میدهد به گونه‌ای که می‌داند پیرزن طلاهایش را در خانه‌اش نگهداری می‌کند.

همین سرنخ کافی بود تا تحقیقات روی این پرستار متمرکز شود و خیلی زود فاش شد که وی دو پسر به نام‌های مهدی و حمید دارد که از تبهکاران بوده و بارها به زندان افتاده‌اند. در بررسی‌های بعدی مشخص شد یکی از پسران پرستار به اتهام حمل و نگهداری مواد مخدر در زندان قزل حصار بسر می‌برد و پسر دوم وی نیز که دارای چندین سابقه سرقت است در حال حاضر بیکار بوده و درآمدی ندارد.

در تحقیقات فنی پلیسی مشخص شد که در شب وقوع سرقت پسر دوم پرستار در محدوده خانه پیرزن دیده شده است که با به دست آمدن این اطلاعات دستگیری حمید به عنوان متهم اصلی پرونده در دستور کار قرار گرفت.

و این در حالی بود که اقدامات کاراگاهان نشان میداد حمید چند روزی است توسط ماموران کلانتری ۱۵۴ چیتگر به خاطر سرقت از انباری چند مجتمع دستگیر و در بازداشت به سر می‌برد.

حمید که باور نداشت رازش در سرقت طلایی لو رفته باشد وقتی در اختیار ماموران

گروه حوادث: سه مرد خشن با حمله به خانه پیرزنی تنها او را به طرز فجیعی شکنجه دادند.

این مردان نیتی جز سرقت نداشتند و با برداشتن طلاهای ۲۰ میلیون تومانی پیرزن وحشت زده گریختند.

سرقت خشن



نیمه‌های شب پنجم آذرماه سال جاری پیرزنی در حالیکه آشفتنه و وحشت زده بود خود را به کلانتری ۱۵۴ چیتگر رساند و گزارشی عجیب داد.

این پیرزن گفت: ساعت ۷ عصر بود که زنگ خانه ام زده شد به تصور اینکه میهمانی دارم در باز کردم و ناگهان دو مرد که صورت‌هایشان را با ماسک پنهان کرده بودند داخل شدند.

وی افزود: شوکه شده بودم آنها چاقو را زیر گلویم گذاشتند حتی نتوانستم فریاد بزنم و کاری کنم دو مرد داخل آمدند من را هول دادند همه وجودم درد گرفته بود آنها بدون اعتنا به گریه‌هایم با چسبی که همراشان بود دست و پای من را بستند و بعد از آن در حالیکه با چاقو من را زجر می‌دادند و دارم کردند که محل نگه داری

اخبار حوادث

خودکشی یک پلیس در شیراز
فرماندار شهرستان فیروزآباد گفت: بنا بر نتایج بررسی‌های اولیه، خودکشی مسئول دژبانی این فرمانداری به دلایل شخصی و مشکلات زیاد روحی و جسمی وی بوده است. سید کمال علوی افزود: این فرد با سابقه ۲۹ سال خدمت و درجه ستوان یکم، ظهر یکشنبه هفتم بهمن ماه اقدام به خودکشی کرده بود. وی با بیان این که این فرد تمام اعضای خانواده شامل زن و فرزندان خود را در زلزله بم استان کرمان از دست داده بود، گفت: این فرد دوباره تشکیل خانواده داده بود و دو فرزند داشته که یکی از آنها را پارسال به دلیل غرق شدگی در سد تنگاب از دست داد. فرماندار فیروزآباد ادامه داد: این مامور نیروی انتظامی قبل از خودکشی با برادر همسر خود تماس گرفته و اعلام کرده بود که دیگر تحمل درد ناشی از مشکل جسمی خود را ندارد و از این رو، به احتمال زیاد دلیل خودکشی این فرد نیز مسائل شخصی بوده و ارتباطی با محیط کار ندارد. وی درباره جزئیات این رویداد نیز گفت: افسر نگهبان فرمانداری فیروزآباد با وجود اینکه به مدت ۲ روز مرخصی داشت، روز یکشنبه در محل کار خود حاضر شده و سرریز همراه خود را برای انجام کاری به جایی فرستاد و سپس با خالی کردن فشنگ‌های مشقی سلاح کلاشینکف و جایجایی آنها با فشنگ جنگی اقدام به خودکشی کرد. علوی اظهار داشت: بنا بر گفته‌های این مامور نیروی انتظامی، وی روزهای اخیر از شدت یافتن درد در ناحیه پروستات رنج می‌برده است و احتمالا تحمل این درد موجب افزایش فشار عصبی در این فرد و اقدام به خودکشی شده است. فرماندار فیروزآباد گفت: حدود هشت ماه تا زمان بازنشستگی این مامور نیروی انتظامی زمان مانده بود.

قتل به خاطر سرقت در جهرم

در پی قتل یکی از شهروندان در جهرم دادستان عمومی و انقلاب این شهرستان از دستگیری دو نفر به اتهام قتل خبر داد. عباس روستازاده گفت: افرادی که یک شهروند جهرمی را به قتل رسانده بودند، در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر شدند. وی با بیان اینکه افراد دستگیر شده برای تکمیل تحقیقات در اختیار مقام قضائی هستند، گفت: قاتلان قصد خروج از شهرستان جهرم را داشتند که با هوشیاری نیروی انتظامی و پلیس اطلاعات و با دستور دستور قضائی دستگیر شدند و این در حالی بود که قاتلان شوکه بودند. این مقام قضائی با اشاره به اینکه در بررسی‌های اولیه مشخص شد انگیزه قاتلان سرقت بوده است، گفت: متأسفانه در حین وقوع سرقت این شهروند فرهنگی مورد ضرب و جرح قرار گرفته و همین امر باعث فوت او شده بود. روستازاده، برهیز مردم از انتشار شایعات را زمینه ساز رسیدگی سریع‌تر به پرونده دانست و از مردم خواست به شایعات منتشر شده در فضای مجازی توجه نکنند. دادستان عمومی و انقلاب شهرستان جهرم گفت: تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.

فرار ۲۳۰ کیلومتری

خود برای یک پرونده وارد سوپرمارکتی در این محدوده شدند که ناگهان با یک دستگاه بیسیم در این محل روبرو دیدند.

ماموران وقتی از مغازه دار در رابطه این بیسیم پرسیدند وی از ماموران درخواست کارت هویتی کرد و زمانی ماموران به او کارت شناسایی نشان دادند وی دستپاچه شده و به تناقض گویی پرداخت که این مساله به ظن ماموران افزود و به بررسی موضوع وجود بیسیم در این مغازه پرداختند.

در جریان این تحقیقات صاحب مغازه مجبور به اعتراف و بیان حقیقت شد و فاش کرد که بیسیم م را از پسر وی در حال انجام بود تا اینکه ماجرای سرقت یک پراید مخابره شد و همه واحدهای گشتی پلیس به اجرای طرح مهار پرداختند.

خیلی زود پراید سرقتی دیده شد. ماموران به تعقیب آن پرداختند و پس از ۲۳۰ کیلومتر ماموران موفق شدند پراید را در نزدیکی شهر آبیک متوقف کرده و دزد را به دام اندازند. پسر تبهکار که حسین نام دارد در بازجویی‌ها گفت: بارها به زندان افتاده‌ام و تخصص من در سرقت سریع پراید است.

همزمان با این عملیات ماموران گشت به دستگیری یک سارق ماهر در زمینه موتورسیکلت دست زدند و از اقدامات تبهکارانه او پرده برداشتند.

این دزد که منصور نام دارد سوار بر موتورسیکلی با پلاک مخدوش در حال پرسه زنی بود که با دیدن ماموران موتور را بین مردم رها کرد و با به فرار گذاشت اما خیلی زود متغییر شد. منصور در بازجویی‌ها سرقت موتور را به گردن گرفت و برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران پلیس آگاهی تهران قرار داده شد.

فرار ۲۳۰ کیلومتری



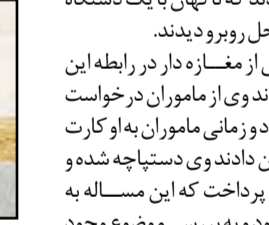
خود برای یک پرونده وارد سوپرمارکتی در این محدوده شدند که ناگهان با یک دستگاه بیسیم در این محل روبرو دیدند.

ماموران وقتی از مغازه دار در رابطه این بیسیم پرسیدند وی از ماموران درخواست کارت هویتی کرد و زمانی ماموران به او کارت شناسایی نشان دادند وی دستپاچه شده و به تناقض گویی پرداخت که این مساله به ظن ماموران افزود و به بررسی موضوع وجود بیسیم در این مغازه پرداختند.

در جریان این تحقیقات صاحب مغازه مجبور به اعتراف و بیان حقیقت شد و فاش کرد که بیسیم م را از پسر وی در حال انجام بود تا اینکه ماجرای سرقت یک پراید مخابره شد و همه واحدهای گشتی پلیس به اجرای طرح مهار پرداختند.

خیلی زود پراید سرقتی دیده شد. ماموران به تعقیب آن پرداختند و پس از ۲۳۰ کیلومتر ماموران موفق شدند پراید را در نزدیکی شهر آبیک متوقف کرده و دزد را به دام اندازند. پسر تبهکار که حسین نام دارد در بازجویی‌ها گفت: بارها به زندان افتاده‌ام و تخصص من در سرقت سریع پراید است.

فرار ۲۳۰ کیلومتری



خود برای یک پرونده وارد سوپرمارکتی در این محدوده شدند که ناگهان با یک دستگاه بیسیم در این محل روبرو دیدند.

ماموران وقتی از مغازه دار در رابطه این بیسیم پرسیدند وی از ماموران درخواست کارت هویتی کرد و زمانی ماموران به او کارت شناسایی نشان دادند وی دستپاچه شده و به تناقض گویی پرداخت که این مساله به ظن ماموران افزود و به بررسی موضوع وجود بیسیم در این مغازه پرداختند.

در جریان این تحقیقات صاحب مغازه مجبور به اعتراف و بیان حقیقت شد و فاش کرد که بیسیم م را از پسر وی در حال انجام بود تا اینکه ماجرای سرقت یک پراید مخابره شد و همه واحدهای گشتی پلیس به اجرای طرح مهار پرداختند.

خیلی زود پراید سرقتی دیده شد. ماموران به تعقیب آن پرداختند و پس از ۲۳۰ کیلومتر ماموران موفق شدند پراید را در نزدیکی شهر آبیک متوقف کرده و دزد را به دام اندازند. پسر تبهکار که حسین نام دارد در بازجویی‌ها گفت: بارها به زندان افتاده‌ام و تخصص من در سرقت سریع پراید است.